

سپر انداز سر بر روی او و پنهان نمودن چهره و دست بر سینه و روی
 ایتمیه را حضرت سید علی علم صلی الله علیه و سلم در
 صد در این تکریر استخار در آن مراد که بزرگوار است سلطان
 اید و کنی سعد معاذ رضی الله عنه بخیل التیکن قدم نیاره
 قال تعوب والله لکانک تری نایا رسول الله دیدکن
 سرور ستوده شیم صلعم تصدیق مدعی اید یا سعد اجل
 دیوبت اذن سعد معاذ ایثار شکر پاره اخلاصه سرافراز
 اید و بیا رسول بر سنک بنویس که مکر بند تصدیق اولوب
 عامه اسلام اید سرافراز جهانیان اولدیغوزده کاشنه
 بیت لایعمد اید و مکر مواثقه و لبسته یوز ماد اید و ندر
 ع بر همان عهد دو فایمیم بستیم بدوست یا رسول الله
 و نمان قضا مضاکوز نه ایسه بیورک که امثال لازمه
 عمده ایما نذر بیت ز تو سوی دشمن فرس تا ختن
 ز نادر رکاب تو سر باختن رضای حسد در دست
 شود نه نهی عز و دولت که ارجان شود یا رسول الله

اول کفر

اول کفر جهانیان همان اولین چهره که سستی نزه رنهار
 خاوه سد او نشد سران قوم انصار کما لسته
 قرآک اطاعتد اگر سن بود ریای ژرف پی مانه
 اقتحام اینک بزودن که دلاوران دریا هجوم
 انصار نزه بریز سایه رکاب ظفر اکتساب کدن
 ایرلز یا رسول الله جمعیت خاطر و صفای
 اید عزمیت اقبال اعدای دین اید منکام کارزار
 دشمنده نزه پیمان و اندیشه جانان عنایت
 دم بهجاده هر بریز جگر کمانده و اشپاره صف
 بنزدوز امید و از که هنگام تقابل صفتین و در دهانه
 انصارک دست برد غصه فرانه سندان چهره نما
 اولیجی شاه کل خسار فتح و ظفرون قریر العین اولک
 دیدی بوجت جلیل کانه معتبرات معازری و اهما
 سیر هم زخم زده کاتب محروم موافق ایراد او نمش
 ایکن عجب در که ابوالمختدرین سید المحدثین العکات